

۲۰۴۴۲۸۸

کتاب



انتشارات مشاوران آموزش
ناشر تخصصی عمومی و علوم انسانی

مجموعه کتاب‌های هدفدار

مستقبل ۱۰

وحید تمنا

آشنایی با گروه تولید کتاب مجموعه کتاب‌های هدف‌دار منطق ۱۰

خانواده
تالیف

مؤلف

وحید تمنا

مدیر درس

ریحانه لطفی

ویراستار

صادق رضازاده

خانواده
طراحی
و چاپ

طراحی چاپ

مختار زندی

طراح جلد
و گرافیکست

آذر سعیدی‌منش

صفحه‌آرا

مجتبی حسینی‌نژاد



این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

دفتر انتشارات

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین،
کوچه مهر، پلاک ۱۸. تلفن: ۶۶۹۵۳۲۰۵

دفتر فروش • تلفن: ۶۶۹۷۵۷۲۷

مجموعه کتاب‌های هدف‌دار منطق ۱۰

مشاوران آموزش

ناب نگار - هستی

۲۵۰۰ نسخه - رحلی

اول - ۱۳۹۸

۳۷۰۰ تومان

۹۷۸-۶۰۰-۲۱۸-۱۹۲-۳

عنوان

ناشر

لیتوگرافی، چاپ و صحافی

شمارگان و قطع

نوبت چاپ

قیمت

شابک

سخن ناشر

«به علوم انسانی خوش آمدید.» این را کسی به شما می‌گوید که خودش از زمانی که وارد دانشگاه تهران در رشته علوم اجتماعی شد، تا به امروز، همه فعالیت‌های نوشتاری و نشری و آموزشی‌اش بیش از همه، برای رشته علوم انسانی بوده است. و شما گام در رشته‌ای گذاشته‌اید که در تمام جهان، به عنوان رشته‌ای شناخته می‌شود که «توسعه» در همه ابعاد آن مدیون این رشته است.

و نمی‌شود یک کشور به پیشرفته و پیشرفته به وجود آورد بدون وجود دانش‌آموزان و دانشجویان پویایی که موانعی تفکر توسعه‌ای را شکل داده باشند. برای قدم گذاشتن در مسیر پیدایش دانش‌آموزان و دانشجویان پویا چند مقدمه - به نظر من - وجود دارد که دوست دارم شما با آن آشنا کنم. مقدمه اول: آن است که حس افتخار را از خود پرورش دهیم.

درست است که این حس افتخار وابسته به رفتارها و گفتارهای اطرافیانمان از جمله خانواده، دوستان، معلم‌هایمان و ... است و شاید با توجه به عدم شناختی که از رشته ما دارند، نتوانند این حس افتخار را به ما منتقل کنند اما شما که می‌توانید. شما می‌توانید با خواندن و دیدن بزرگان علوم انسانی دنیا، متوجه شوید که ارزش رشته‌تان چقدر است.

مقدمه دوم: با درس‌های علوم انسانی به عنوان درس اصلی برآورد کنید. شاید خودتان هم به اشتباه گفته باشید که «درس علوم انسانی حفظی هستند و من هم حفظیاتم خوب است» و آمده‌اید به این رشته. من معتقدم هیچ درسی در مدرسه و دانشگاه درس حفظی نیست بلکه متأسفانه ما حفظی می‌خوانیم. حتی به ما حفظی درس می‌دهند. مگر می‌شود درس «اقتصاد» حفظی باشد؟ درسی که اساس هر جامعه مبتنی بر آن است. یا درس علوم و فنون ادبی یا جغرافیا. این‌ها حفظی نیستند بلکه قابلیت «یادگیری» دارند.

مقدمه سوم: به درس ریاضی حمله کنید.

شاید برخی از شما، با درس ریاضی راحت نبوده باشید، اما به شما قول می‌دهم که اگر نگذارید که ترس از ریاضی به شما غلبه کند، همراهیتان می‌کنیم تا ریاضی را خوب یاد بگیرید. شاید الان به خودتان گفته باشید: اصلاً چرا باید ریاضی را خوب یاد بگیرم؟ پاسخ من این است که دو درس در رشته علوم انسانی وجود دارد که به ذهن شما توانایی اندیشیدن منظم و ساختمند می‌دهد. یکی ریاضی است و دومی منطق. علوم انسانی پر است از مفاهیم متنوع و گاه متضاد و پر است از پیچیدگی‌ها. و به همین دلیل، دانش‌آموز و دانشجوی رشته انسانی نیاز دارد که به حوزه نظریه ساختن وارد شود. نیاز به این دارد که مدل‌های مختلف را بسازد و برای همین هم نیاز به تفکر ریاضی و منطقی دارد.

و در نهایت این که آرزو می‌کنم که علوم انسانی توسط شما در این کشور، ببالد و قدرتمند گردد.

وحیدتها

مقدمه مؤلف

تا سال چهارم دبیرستان در رشته ریاضی و فیزیک درس خواندم. به خاطر علاقه‌ام به حوزه علوم انسانی، در کنکور، رشته علوم انسانی را انتخاب کردم و در آخرین ساعات بین روان‌شناسی و علوم اجتماعی، رشته علوم اجتماعی را انتخاب کردم و دانشجوی دانشگاه تهران شدم. سال‌ها از آن روزها می‌گذرد و من بارها از این که رشته دانشگاهی‌ام را در حوزه علوم انسانی انتخاب کرده‌ام، به خودم، کلی کارت تبریک داده‌ام. چرا؟ قبل از این که دلائلم را بگویم از یک موضوع دیگر پرده‌برداری کنم: یادم هست که وقتی می‌خواستم رشته علوم انسانی را انتخاب کنم، پدرم بهم گفت «برای چی؟ برو مهندسی بخون!» و جالبی داستان این بود که خودش علوم انسانی خوانده بود و البته خودش نمی‌توانست در آن زمان بروود دانشکده فنی، چون مجبور بود هم کار کند و هم درس بخواند و باید می‌رفت، شبانه درس می‌خواند و شبانه، رشته‌های فنی نداشت. به هر حال پدرم - که سال‌ها دبیری کرده بود- در این موارد هیچ‌گاه نظر خودش را تحمیل نمی‌کرد. و تحمیل نکرد. و اما چرا علم انسانی و افتخار به آن؟ چندین دلیل دارد و من فقط به یک دلیل می‌پردازم که موضوع این مقدمه نیز هست.

ما تجربه‌های علم لمبیری را به یاد راحت می‌پذیریم حتی بدون این که دلائلش را به طور جدی خوانده باشیم. راحت می‌پذیریم که علت فرود یک سیب از درخت به دلیل نیروی جاذبه زمین است. در واقع اتکا می‌کنیم به دانش دانشمندان علم طبیعی. اما در حوزه انسان و آن چه که به علوم انسانی مربوط است، ما به باورها و دانش غریزی خود بیش‌تر اکتفا می‌کنیم. اگر سؤال بپرسیم که به چه دلیلی ماهواره‌ای که بر گرد زمین در حال چرخش است به چرخشش زمین در ارتباط است و چگونه پیام‌هایی را از زمین می‌گیرد و دوباره به بخش دیگری از زمین باز می‌گرداند، گرد رشته‌های ریاضی و فیزیک درس نخوانده باشیم و اگر برنامه‌های علمی را ندیده باشیم یا سکوت می‌کنیم و یا اگر نظری دادیم به احتیاط آن را بیان می‌کنیم و اگر دانشمندی نظر ما بشنود، به راحتی نظر او را قبول می‌کنیم. اما تصور کنید وقتی در مورد روش تربیتی فرزندان از ما سؤال پرسیده شود و یا اگر پرسیده شود علت گرانی برخی از کالاها نسبت به برخی دیگر از کالاها چیست، همه- تقریباً می‌توان گفت اکثریت قاطع مردم- حتی بدون این که یک کتاب در حوزه روان‌شناسی خوانده باشند و یا یک کتاب در حوزه اقتصاد در مبحث آن و مثال نظر می‌دهند و تازه اگر نظر مخالف خودشان را از متخصصین این رشته‌ها بشنوند، در مقابلش به چالشی نمی‌گیرند.

و این چالش شما دوستان عزیز است وقتی می‌خواهید وارد دانشده شوید و پس فارغ‌التحصیل شوید. یکی از دلائلی که رشته علوم انسانی از جانب بسیاری از مردم رشته بی‌ارزشی دیده نمی‌شود، همین است که فکر می‌کنند در این حوزه صاحب‌نظر هستند و نیازی به رشته دانشگاهی نیست!

خوب! با این اوصاف من از کدام منظر به تحصیل دانشگاهی خودم در رشته علوم انسانی می‌نازم؟! از این منظر که این چالش و چالش‌هایی از این‌سنگ همیشه مرا در پویایی نگه داشتند. من به همان رشته‌ام امور ساده‌ای که مردم به طور عادی انجامش می‌دادند با علامت سؤال دیده‌ام. آن چه که در امور اجتماعی به عنوان امر پذیرفته شده تلقی می‌شد، با دیدگاه شک‌نگریسته‌ام و نمی‌دانید که چه لذتی دارد وقتی می‌بینی که دلائل واقعی‌تر یک امر اجتماعی آن نیست که می‌گویند بلکه آن است که تو کشف می‌کنی.

اما در این میان منطق شاید یکی از مهم‌ترین ابزارهای این نگرش است. بسیار وقت‌ها آدم‌ها از مقدماتی که به نتیجه می‌رسند که اساساً مقدماتشان به نتیجه ارتباطی ندارد. منطق مهم‌ترین کاری که با ما انجام می‌دهد، کشف مکانیزم‌هایی است که در مورد یک موضوع در ذهنمان پروانده‌ایم. منطق از آن دسته ابزارهایی است که ما را در قبال یک امر پذیرفته شده، مسلح می‌کند تا آن را دوباره به چالش بکشیم. عادت را بخواهیم بر هم زنیم، عادت را بخواهیم چنان بر هم زنیم که از درون آن، «نو»ها، از درون آن «خلاقیت‌ها»، بیرون زند، فهم منطقی از آن ابزارهاست. خوب بخوانیدش!

وحید تمنا

۶	درس اول: منطق ترازی اندیشه
۱۵	درس دوم: لفظ و معنا
۲۵	درس سوم: مفهوم و مصداق
۳۷	درس چهارم: انداع و شرایط تعریف
۴۶	درس پنجم: اقسام استدلال استقرایی
۵۴	درس ششم: نتیجه حمل
۶۴	درس هفتم: احکام قضا
۷۷	درس هشتم: قیاس اقترانی
۸۸	درس نهم: قضیه شرطی و قیاس استثنایی
۹۹	درس دهم: سنجشگری در تفکر
۱۰۹	پاسخنامه تشریحی

